

تغییر نام خلیج فارس و بحران هویت ملی (بررسی و تحلیل نگرش ایرانیان نسبت به تحریف نام خلیج فارس)

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۱۵

احسان یاری*

زهره مهرآئین**

چکیده

امروزه به بهانه‌های مختلف نام خلیج فارس از سوی برخی کشورهای عربی و سایر منافع‌طلبان مورد تحریف قرار می‌گیرد. خلیج فارس جدا از اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن، بخش اعظمی از تاریخ و حوادث تاریخی کشور ایران را به خود اختصاص می‌دهد و جایگاه آن در قوام هویت ملی ایرانی، جایگاه برجسته‌ای است. تعدی به نام این مکان جغرافیایی، در واقع نوعی تجاوز به هویت ایرانی محسوب می‌شود که خود تهدیدی جدی برای امنیت و منافع ملی است. هدف از این مطالعه، بررسی و تحلیل دیدگاه‌ها و تفسیرهای افراد جامعه در فضای مجازی حول واقعه‌ی تغییر نام خلیج فارس است. پژوهش حاضر از نوع کیفی است. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز برای تحلیل، از قسمت اظهار نظر خوانندگان خبرهای سایت‌های الف، افکار نیوز، تابناک و آفتاب در فاصله‌ی زمانی چهار ساله از سال ۸۹ تا ۹۲ گردآوری شده‌است. یافته‌ها ۱۴ کد و ۵ مقوله‌ی عمده را نشان می‌دهد که از آن میان، بحران هویت و امنیت ملی به عنوان مقوله‌ی هسته‌ی تشخیص داده شد. مقوله‌های عمده شامل عوامل سیاسی داخلی، فرهنگی، بین‌المللی، آگاه‌سازی و فقدان واکنش است. بنابراین، مردم کشورمان تغییر نام خلیج فارس را به مثابه‌ی بحران هویت و امنیت ملی تفسیر کرده‌اند و به دنبال شناسایی ریشه‌ها و راه‌حل‌های مقابله با آن هستند.

کلیدواژه‌ها: خلیج فارس، تغییر نام، بحران، هویت ملی، امنیت ملی.

E.yari22@gmail.com

Z.mehraein@gmail.com

* استادیار گروه علوم سیاسی و عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز.

** دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد مدیریت بحران.

محیط اجتماعی ما به دلیل تحولات ناشی از نوگرایی (افزایش جمعیت، شهرنشینی، وابستگی فزاینده به فناوری و تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) به جهانی بحران‌زا تبدیل شده‌است (Richardson, 1994). بحران‌ها به طور معمول، پیامد زنجیره‌ای از علل متنوع است که این تنوع و تعدد، شناسایی علل واقعی آنها را بسیار مشکل می‌سازد (Turner, 1978). اما به نظر می‌رسد که شناسایی و در نهایت حل برخی از بحران‌های اجتماعی از جمله مواردی که به امنیت و هویت یک جامعه مربوط می‌شود، در اولویت بالاتری قرار گرفته‌است. واژه‌ی امنیت به عنوان یک مفهوم عام، تمامی شئون و ابعاد زندگی انسان را در برمی‌گیرد. در واقع، امنیت تضمین‌کننده‌ی حیات و بقای انسان و موجود زنده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۳۲۷).

یکی از انواع امنیت، امنیت ملی است که برای هر دولت - ملتی از قداستی خاص برخوردار است؛ چرا که تقریباً دستیابی به سایر اهداف ملی و بین‌المللی همانند توسعه‌ی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) قدرت، اقتدار، ثبات، مشروعیت و ... به نوعی در گرو حصول امنیت ملی است. در مقابل، هر نوع اقدام و حرکتی که سبب مخدوش شدن این اهداف شود، محل امنیت ملی تلقی می‌شود و سبب فاصله گرفتن مردم از حکومت، فقدان تمکین نسبت به قانون، فقدان مشارکت، تشتت و ناامنی در کشور و ... خواهد شد (ساعی و معصومی، ۱۳۹۰: ۱۶۲). امنیت موضوعی استنباطی است که مفهوم آن ثابت است، اما محتوای جغرافیایی - سیاسی آن تابع شرایط زمان و مکان تغییر می‌کند. در گذشته، امنیت ملی عمدتاً از نظر تهدید نظامی خارج از مرزها قابل توجه قرار می‌گرفت، اما امروزه این مفهوم از حوزه‌ی تعاریف کلاسیک خود خارج شده‌است (اطاعت و موسوی، ۱۳۹۰: ۷۲).

دریاه‌ها به عنوان بخشی از قلمرو جغرافیایی هر کشور، نقشی تعیین‌کننده در هویت و امنیت ملی آن کشور بازی می‌کند. منطقه‌ی خلیج فارس با امکانات اقتصادی و ژئوپلیتیک شگرفی که دارد، نمی‌تواند نسبت به چالش‌های حیاتی موازنه‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک قرن ۲۱ نادیده انگاشته شود (مجتهدزاده، ۱۳۷۸: ۳۸). خلیج فارس در واقع حوضه‌ای با ابعاد محدود است که جز در مدخل تنگه‌ی هرمز که آن را به خلیج عمان سپس به اقیانوس هند متصل می‌سازد، به وسیله‌ی مرز کشورهای ساحلی احاطه شده‌است (Leanza, 1989: 220). بنابراین، ویژگی‌های خاص و اهمیت این منطقه فارسی بر کسی پوشیده نیست.

دریاه‌ها نیز چون مجموعه‌ای از انسان‌ها در قالب کشورها و قاره‌ها شاهد رویدادهای بسیاری بوده و وقایع گوناگونی را پشت سر گذارده‌اند (صادق‌پناهی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲). از روزی که بشر تاریخ‌نویسی را آغاز کرد، دریای جداکننده‌ی فلات ایران از شبه جزیره‌ی عربستان را «دریای فارس» یا «خلیج فارس» نامیده‌است. این نام در گذران روزگاران به همین گونه باقی ماند و تردیدی در چگونگی آن در هیچ زمان و مکانی جز در سرزمین برخی عرب‌ها از تاریخ ۱۹۶۲ میلادی پدیدار نشده‌است. در بررسی تاریخچه‌ی پیدایش و گذران قوام‌گیری و دامنه‌ی شمول نام «دریای فارس» یا «خلیج فارس» و اثبات آن، هیچ ملتی حتی مردم

عرب، در هیچ زمانی این دریا را به نام دیگری نخوانده است (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۲). اما امروزه به بهانه‌های مختلف نام تحریف شده‌ی خلیج فارس از سوی این کشورها و سایر منفعت‌طلبان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نکته‌ی قابل تأمل در این راستا این است که این روند از سوی متجاوزان به احتمال بسیار بالایی ادامه خواهد داشت. هدف اصلی نگارندگان این مقاله، گشودن دریچه‌ای نوین در جهت خاتمه دادن به این تحریف نام است. در این میان آگاهی از دیدگاه افراد جامعه و بررسی دغدغه‌ی ذهنی آنان، می‌تواند یاری‌دهنده باشد. در پژوهش حاضر با رویکردی تفسیرگرایانه و تحلیلی تلاش شده است که به بررسی دیدگاه جامعه‌ی ایرانی نسبت به این تحریف نام، در بازه‌ی زمانی سال‌های ۸۹ تا ۹۲ پرداخته و نشان داده شود که ایرانیان، این رویداد را در فضای مجازی چگونه درک و تفسیر می‌کنند. بنابراین، این تحقیق به دنبال پاسخ به سؤال زیر است:

افراد جامعه‌ی ایرانی در فضای مجازی حول واقعه‌ی تغییر نام خلیج فارس چه دیدگاه‌ها و تفسیرهایی دارند؟

۲- ادبیات تحقیق

جهانبخش ثواقب (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با نام «اهمیت خلیج فارس و تلاش برای جعل نام جدید»، به بیان برخی وجوه اهمیت خلیج فارس، پیشینه و انگیزه‌های طرح جعل نام برای خلیج فارس پرداخته است. محمود قرآنی‌نوشاد (۱۳۹۰) مطالعه‌ای با نام «علل و زمینه‌های استفاده از اسامی جعلی برای خلیج فارس» انجام داده که هدف آن بررسی پیشینه، عوامل و زمینه‌های این جعل نام بوده است. محمد عجم (۱۳۸۸) در کتاب «اسناد نام خلیج فارس؛ میراثی کهن و جاودان»، به بیان علت نامگذاری خلیج فارس، اسناد و مبانی تاریخی اصالت نام خلیج فارس و توطئه برای تغییر این نام همراه با مستندات آرشیوهای عربی پرداخته است. تجدد (۱۳۸۷) نیز در مطالعه‌ای به پیشینه‌ی تاریخی نام خلیج فارس و جعل نام آن اشاره کرده است. گنجی و همکارانش (۱۳۸۶) در کتاب «وصف خلیج فارس در نقشه‌های تاریخی» تلاش کرده‌اند که حقایق مستند درباره‌ی نام و جایگاه خلیج فارس را در مدارک و اسناد تاریخی بیان کنند. پورآرین (۱۳۸۶) در پژوهشی با نام «درآمدی بر پیشینه‌ی تاریخی نام خلیج فارس»، از منظر جغرافیای تاریخی به بررسی نام خلیج فارس پرداخته است.

مجتهدزاده (۱۳۷۹) در کتاب «خلیج فارس: کشورها و مرزها»، به بررسی موارد مربوط به خلیج فارس و نام آن پرداخته است. قراگوزلو (۱۳۷۹) نیز در مطالعه‌ای با ارائه‌ی مستندات تاریخی سعی در اثبات حقانیت این نام تاریخی دارد. یادگاری (۱۳۷۸) در پژوهشی با نام «خلیج فارس: ایران و قدرت‌های بزرگ»، به بیان اهمیت، انگیزه‌های قدرتمندان برای دست‌یازی و در نهایت تلاش برای تغییر نام این منطقه اشاره می‌کند. تحریف نام خلیج فارس موضوعی قابل توجه برای بسیاری از محققان بوده است. در تمامی این مطالعات، نویسندگان تلاش کرده‌اند که حقانیت نام خلیج فارس را به اثبات برسانند. اما منابعی که

بتواند به بررسی نگرش و تفسیرهای افراد جامعه ایرانی بپردازد، براساس جستجوهای به عمل آمده، دیده نشده است.

۳- بحث نظری

«هویت» از نظر لغوی به معنای هستی، وجود، شخصیت و سرشت است (عمید، ۱۳۷۱: ۱۲۱۲). اما به لحاظ مفهومی به پاسخ آگاهانه‌ی هر فرد، قوم یا ملت به سؤالاتی چون: که بوده؟ کجا بوده؟ متعلق به کدام قوم و نژاد و تیره است؟ خواستگاه اصلی و دائمی‌اش کجاست؟ به چه جامعه و ارزش‌هایی تعلق دارد؟ و صاحب چه فرهنگ و تمدنی است؟ گفته می‌شود. مفهوم هویت، مفهومی ضروری و در این حال مبهم است؛ بنابراین، تعریف آن نیز امری دشوار است و نیازمند نادیده گرفتن بسیاری از روش‌های معمولی ارزیابی به نظر می‌رسد (Huntington, 2004: 21). هویت هم در سطح فردی و هم در سطح جمعی معنا می‌یابد و «تمایز» و «دیگری» در مرکز ثقل آن قرار دارد. هویت ملی از سنخ هویت جمعی (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۱۳) و به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و سیاسی، زاده‌ی عصر مدرن اروپا است که از قرن ۱۷ آغاز می‌شود. این مفهوم، اواخر قرن نوزدهم و به خصوص بعد از دو جنگ جهانی به کشورهای جهان سوم و تازه استقلال یافته راه پیدا کرده است (احمدلو و افروغ، ۱۳۸۱: ۱۱۷). بر اساس یک تعریف، هویت ملی عبارت است از مجموعه خصایص و ارزش‌های مشترک یک ملت که افراد آن نسبت به آنها، خود آگاهی یافته‌اند و به واسطه‌ی آنها احساس یگانگی و تعلق به یکدیگر می‌کنند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۱۱). در تعریفی دیگر، هویت ملی بیانگر احساس تعلق است که ارزش نسبی دارد و فقط زمانی معنی می‌دهد که با احساساتی که افراد یک کشور نسبت به اتباع خارجی دارند، مقایسه شود (Triandis, 1998: 598-599).

اهمیت سخن گفتن از هویت ملی آن است که این سطح هویت در همه‌ی حوزه‌های فرهنگ، سیاست، اجتماع و حتی اقتصاد نقش تعیین‌کننده دارد یا به تعبیری، هویت ملی برآیند هویت در همه‌ی حوزه‌های پیش گفته است. هویت ملی فراگیرترین و در عین حال، مشروع‌ترین سطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی است (زهیری، ۱۳۸۴: ۳۳). به طور کلی، مؤلفه‌های شکل‌دهنده‌ی هویت ملی متعدد هستند. محیط و عوامل جغرافیایی، یکی از مؤلفه‌های اصلی هویت ملی است که به عنوان بستری برای شکل‌گیری سایر مؤلفه‌های هویت ملی عمل می‌کند. سرزمین اصلی‌ترین مؤلفه‌ی جغرافیایی هویت ملی است و حس همگرایی ملی را در میان افراد جامعه ایجاد می‌کند (قالیباف و پوینده، ۱۳۹۰: ۱۰). کالین فلینت در این خصوص معتقد است: «هویت ملی یک هویت سرزمینی است که مبتنی بر حاکمیت بر یک قطعه از سرزمین می‌باشد» (Flint, 2007: 135). به اعتقاد جمیز اندرسون «تاریخ منحصر به فرد ملت، در چارچوب سرزمین خاص متعلق به ملت تجسم می‌یابد.» سرزمین متعلق به یک ملت، ارتباط مردم با گذشته و تقویت پیوندهای مستحکمی را که همواره میان

ملت و زیستگاه کنونی آن وجود داشته‌است، تسهیل می‌کند (جونز و وودز، ۱۳۸۶: ۱۶۶). ساده‌ترین راه برای تعیین هر مکان از سطح سرزمین، اعلام نام آن است. در زبان روزمره همیشه از مکان‌ها بر حسب نامشان صحبت می‌کنیم. نام مکان‌های جغرافیایی حاوی اطلاعات تاریخی و محیطی قابل ملاحظه‌ای است (هاگت، ۱۳۸۴: ۶۰). اسامی مکان‌های جغرافیایی به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های هویت‌ساز، تأثیر قابل توجهی در شکل‌گیری و حفظ هویت ملی دارد؛ به عبارت دیگر، یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر هویت ملی یک کشور، نام آن کشور و سایر اسامی جغرافیایی از قبیل اسامی شهرها، کوه‌ها و دریاها و غیره می‌باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۹). به هر میزان که یک مکان جغرافیایی در تاریخ مشترک یک سرزمین نقش بیشتری داشته باشد، حفظ آن برای یک ملت ارزش مضاعف‌تری خواهد داشت. خلیج فارس جدا از اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن، بخش اعظمی از تاریخ و حوادث تاریخی کشور ایران را به خود اختصاص می‌دهد و جایگاه آن در قوام هویت ملی ایرانی، جایگاه برجسته‌ای است.

اصطلاح امنیت ملی چنان که مشهور است، در سال ۱۹۴۵ م از سوی جمیز فورستال، وزیر دفاع وقت آمریکا، به منظور ارائه‌ی اصل راهنمایی برای سیاست خارجی ایالات متحده به کار گرفته شد. از آن زمان به بعد، مفهوم امنیت ملی به دلیل نگرش جهانی‌ای که ظرفیت آن را داشت، اشتهار و شمول یافت (Williams, 2008: 2-5). امنیت ملی که رابطه‌ی تنگاتنگی با اقتدار و وحدت ملی دارد، در گذشته از نظر تهدید نظامی معنی‌دار بود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۳۲۷). ولی این مفهوم در قرن بیست و یکم دیگر تابع تعاریف کلاسیک خود نیست و بیش از این نمی‌تواند بر پایه‌ی اقتدار نظامی یک ملت ارزیابی شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۱). به بیان روشن‌تر، حرکتی از سخت‌افزارگرایی به نرم‌افزارگرایی در عرصه‌ی مطالعه‌ی امنیت ملی ایجاد شده‌است (پوستین‌چی و بالازاده، ۱۳۹۲: ۷۹). در مدل‌هایی که امروز برای وجود امنیت یا فقدان آن استفاده می‌شود، دیگر بحث تعداد نفرات ارتش، نوع سلاح و ... کمتر مطرح است و مسائل جدیدی از جمله شکاف‌های اجتماعی، انسجام ملی و ... مورد سنجش قرار می‌گیرد. رابرت ماندل در کتاب «چهره متغییر امنیت ملی»، امنیت را مفهومی چند وجهی می‌داند و در تعریف خود از امنیت ملی می‌گوید: «امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و جزو مسئولیت حکومت‌های ملی می‌باشد تا از تهدیدهای مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه‌ی زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند.» (ماندل، ۱۳۸۷: ۴۲). همچنین باری بوزان در یک تلاش نظری ارزشمند، تهدیدها را در پنج گروه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تقسیم کرده‌است و این امر را مورد تأکید قرار داده که هر یک از آنها دارای جایگاه مهمی در مسئله‌ی امنیت و روشی برای تنظیم اولویت‌ها بوده و از طریق ارتباط‌های قوی به یکدیگر متصل هستند (بوزان، ۱۳۸۷: ۳۴). بنابراین، امروزه امنیت ملی علاوه بر بعد نظامی دارای ابعاد دیگری از جمله اقتصادی، اجتماعی و ... است و سرچشمه و منبع تهدید نیز خارج از مرزها و داخل مرزها هر دو دیده می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۳۲۷). گسترش مفهوم امنیت و کشیده شدن آن به حوزه‌های جدید،

توجه به مسائلی از جمله مشروعیت حکومت، انسجام اجتماعی، وحدت ملی و ... را برای رویارویی با تهدیدهای اخیر ضروری ساخته‌است.

وحدت ملی به معنای هماهنگی و همبستگی میان اجزای تشکیل‌دهنده‌ی یک نظام سیاسی و اجتماعی، یکی از مؤلفه‌های اقتدار و امنیت ملی است. افزایش ضریب وحدت و همبستگی ملی باعث کاهش تهدیدات داخلی و خارجی می‌شود و زمینه‌های مناسبی برای توسعه و پیشرفت کشور فراهم می‌آورد. یکی از اساسی‌ترین عناصر و پیش‌شرط‌های ضروری دستیابی به وحدت و همبستگی ملی، هویت ملی است. بین ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی و وحدت ملی، رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد. هویت ملی با بهره‌گیری از توانایی‌های نمادین خود نظیر زبان، دین، سرزمین و ... وفاق اجتماعی و وحدت ملی را تأمین می‌سازد. در واقع، هویت ملی به دلیل نقش تعیین‌کننده‌ای که در حوزه‌ی فرهنگ، اجتماع، سیاست و حتی اقتصاد دارد، از مفاهیم بسیار فراگیر و در عین حال مشروعیت‌دهنده به نظم سیاسی - اجتماعی است و وحدت و انسجام درونی یک واحد سیاسی را در پی دارد (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۰۸). بنابراین، تعدی به نام یک مکان جغرافیایی با چنین پیشینه‌ی تمدنی و فرهنگی، نوعی تجاوز به هویت ایرانی محسوب می‌شود که خود تهدیدی جدی برای وحدت و امنیت ملی است.

۴- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی است. برای گردآوری داده‌ها ابتدا سایت‌های خبری مربوط مورد بررسی قرار گرفتند. از آنجایی که حجم جامعه از وسعت فراوانی برخوردار بود از این میان، سایت الف، افکار نیوز، تابناک و آفتاب در فاصله‌ی زمانی سال‌های ۸۹ تا ۹۲ انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مراجعه به قسمت اظهار نظرهایی^۱ که خوانندگان ذیل خبرهای مرتبط با بحث خلیج فارس در این سایت‌ها فرستاده بودند، جمع‌آوری شده‌است. علت انتخاب این سایت‌ها، وجود اظهار نظرهای فراوان افراد و همچنین اعتبار آنها بوده‌است. در مجموع تعداد ۳۲۸ نظر یا تفسیر در زمینه‌ی تحریف نام خلیج فارس از افراد مختلف، از این سایت‌ها گردآوری شد که بیشترین تعداد نظرات مربوط به سایت خبری تابناک است. در ادامه، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش کدگذاری استفاده شد. پس از کدگذاری سه مرحله‌ای داده‌ها، تحلیل محتوایی نظریات افراد با توجه به موارد درج شده در کدها صورت گرفت.

۵- یافته‌های تحقیق و تحلیل آن

از سده‌های هفتم و هشتم پ.م تا دوران زایش و بالش جغرافیا، همه‌ی اکابر و اعظام علم صورت الارض از جمله آناکسی مند، هکاتوس، بطلمیوس، ماکروبیوس، محمدبن موسی الخوارزمی، ابوزید بلخی، مسعودی، مستوفی، بیرونی، جیحانی و ... دریای جنوبی ایران را تحت اسامی خلیج فارس، خلیج پارس، دریای فارس، بحر الفارس، سینوس پرسیکوس^۲، ماره

1. comment
2. Sinus Persicus

پرسیکوس^۱، گلف پرسیک^۲، پرژن گلف^۳ و سایر عناوین مشابه یاد کرده‌اند. البته در همین منابع گاهی به عبارت خلیج عرب و خلیج بصره هم برمی‌خوریم که به عنوان حقیقتی جغرافیایی تداعی گر بحر احمر، خلیج قلزم یا دریای سرخ است. این دریا به اعتبار مجاورت و قرابت با شبه جزیره عربستان، به خلیج عربی شهرت یافته و در جغرافیای نوین نیز گاهی به همین نام خوانده می‌شود (قراگوزلو، ۱۳۷۹: ۴۱). آنچه که واضح به نظر می‌رسد این است که در اسناد و مدارک تاریخی، نام این دریا از ۵۰۰ سال پیش از میلاد، دریای فارس بوده‌است (بیک محمدی، ۱۳۸۴: ۵۹). حتی در قراردادهای منعقد شده - که یک طرف آن عرب‌ها بوده‌اند - با صراحت از خلیج فارس نام برده شده و در نامه‌ی مورخ ۱۹۷۱/۳/۵ میلادی، دبیرخانه‌ی سازمان ملل متحد از کلیه‌ی ارکان سازمان خواسته است تا در کلیه‌ی مکاتبات خود از اسم واقعی و تاریخی خلیج فارس استفاده کنند (ثواقب، ۱۳۹۱: ۸).

تلاش برای تغییر این نام از سال ۱۹۳۵ میلادی آغاز شد. در آن زمان، سر چالز بلگریو^۴ انگلیسی، نماینده‌ی سیاسی بریتانیا در خلیج فارس، در سایه‌ی نیت استعماری و سیاست خاص انگلیسی‌ها به قصد ایجاد شبهه در افکار عمومی به ویژه در اذهان عرب‌ها و ایجاد تنش در منطقه، از خلیج فارس به نام «خلیج عربی» یاد کرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۰: ۱۹). پس از وی، عبدالکریم قاسم که در سال ۱۹۵۸ میلادی در عراق با کودتا روی کار آمد، کلمه‌ی خلیج العربی را برای اولین بار در تاریخ جدید به کار برد (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۲۲ و ۲۱). همچنین در سال ۱۹۶۲ میلادی، روزنامه‌ی تایمز لندن برای نخستین بار خلیج فارس را به نام ساختگی «خلیج عربی» خواند. دبیری نپایید که در همین سال جمال عبدالناصر، رئیس جمهور وقت مصر که به خاطر مبارزه علیه اسرائیل توانسته بود در جهان عرب محبوبیت فراوانی کسب کند، از نام ساختگی یاد شده در اشاره به خلیج فارس سود جست (مجتهدزاده، ۱۳۸۰: ۱۹). با روی کار آمدن صدام حسین و قدرت‌یابی حزب بعث، این موضوع در ارتباط با ایران و ایران‌ستیزی برای رسیدن به رهبری دنیای عرب دوباره مطرح شد (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۲۲-۲۵). در ادامه‌ی این تلاش‌ها به روز شنبه ۲۰ نوامبر سال ۲۰۰۴ میلادی می‌رسیم. با اعلام در رادیو «بی بی سی»، مؤسسه‌ی آمریکایی جغرافیای ملی^۵ با داشتن اعتبار علمی فراوان، فتنه‌های چند ساله را آشکار کرد و با آوردن عنوان «خلیج عربی» به بهانه‌ی «کلیدواژه»، معرکه‌ی جدیدی را تعقیب کرد (تکمیل‌همایون، ۱۳۸۵: ۲۱۴ و ۲۱۳). این امر، حساسیت جدی جامعه‌ی ایرانی را نسبت به تغییر نام خلیج فارس در پی داشت.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در بازه‌ی زمانی سال ۸۹ تا ۹۲ در فضای مجازی، شاهد انعکاس بیشتری از این گونه واکنش‌ها نسبت به تغییر نام خلیج فارس بوده‌ایم. بدین سبب سایت‌های معتبری که دارای اظهارنظرهای فراوان بودند، برای تحلیل همه جانبه انتخاب شدند. همان طور که پیش‌تر نیز ذکر شد، این مطالعه در پی تحلیل دقیق این

1. Mare Persicus
2. Gulf Persique
3. Persian Gulf
4. Sir Charles Belgarave
5. National Geographic

حساسیت‌های جامعه‌ی مدنی نسبت به تحریف نام خلیج فارس، تشخیص مؤلفه‌های با اهمیت‌تر، شناسایی انتظارات و توقعات جامعه از دستگاه سیاسی و در نهایت گشودن دریچه‌ای برای خاتمه دادن به این تغییر نام بوده‌است. پس از بررسی اولیه و با توجه به قرابت معنایی و مفهومی اظهار نظرها، به ۱۴ دسته‌بندی یا کد رسیدیم که گویای درک و تفسیر افراد مختلف نسبت به این جعل نام در فضای مجازی است. در جدول ۱، این کدها و دسته‌بندی آنها درج شده‌است. همان طور که مشاهده می‌شود، این چهارده کد شامل غفلت و فقدان حمایت مسئولان کشوری، تلاش و پیگیری توسط مسئولان، سیاست خارجی اشتباه، سیاست داخلی اشتباه، مسئله‌ی نژادی و بی‌تمدنی اعراب، اثبات حقانیت تاریخی، اقدامات فرهنگی، نقش شبکه‌های قدرت بین‌المللی، رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی بین‌المللی، تمهیدات نظامی، اطلاع‌رسانی و هشیارسازی افراد، بحران ملی، بحث نکردن و اهمیت ندادن، فقدان توانایی خارجی‌ها در کتمان این حقیقت است.

حول کد غفلت و فقدان حمایت مسئولان کشوری، یافته‌های نظرات داخل سایت‌ها در سال ۹۲ به عنوان نمونه شامل این موارد است: ۱- مسئولان در این مورد دچار غفلت شده‌اند. ۲- مسئولان جدی بگیرند. ۳- خواب تا کی؟ تو رو خدا بیدارشین آقایون مسئول. در سال ۹۱: ۱- نمی‌دانم دولت مردان چرا این همه دست دست می‌کنند. ۲- کاش مسئولان این مملکت به فکر تمدن و تاریخ باشند. در سال ۸۹: ۱- ای وای بر مسئولان ذی ربط که در خواب غفلت هستند یا مسامحه می‌کنند. ۲- متأسفانه مسئولان ما ظاهراً حساسیتی در این خصوص ندارند. ۳- واقعاً جای تأسف داره که یه همچین چیزی اصلاً به ذهن مسئولان عالی رتبه نمی‌رسه.

حول کد تلاش و پیگیری توسط مسئولان در سال ۹۲ این نمونه‌ها در چهار سایت الف، افکار نیوز، تابناک و آفتاب یافت شد: ۱- مسئولان مربوطه سریع می‌بایست از طریق مجامع عمومی سازمان ملل و ... اقدام کنند. ۲- از مسئولان قوه‌ی قضاییه به شدت با افراد خاطی و این موضوع برخورد کنند. ۳- انتظار پاسخی قاطع داریم از دستگاه دیپلماسی به خصوص رئیس‌جمهور. در سال ۹۱ به دو نظر می‌توان اشاره کرد: مسئولان شکایت کنند و واکنش شدید نشان دهند. اما در کد سیاست خارجی اشتباه مربوط به سال ۹۲، می‌توان به نمونه‌های بارز زیر اشاره کرد: ۱- وقتی با همه می‌جنگید اون‌ها هم این طور پاسخ می‌دهند. ۲- تا یک دوستی واقعی میان ما و کشورهای عربی برقرار نشود، این مسائل ادامه می‌یابد. در سال ۹۱ این دو نظر به عنوان نمونه بیان می‌شود: تبریک به رئیس‌جمهور، وزیر خارجه و دولت ایران با این سیاست خارجی بسیار قوی. نظر دیگر، اگر کمی با دنیای آزاد ارتباط داشتیم امروز می‌توانستیم بر دهان یاهوگویان عرب بزنیم.

شاید واضح‌ترین بیاناتی که در سال ۹۲ به کد سیاست داخلی اشتباه اشاره دارد، شامل این دو مورد است: ۱- از ماست که بر ماست. ۲- خلاق هر چه لایق، تقصیر خودمان است. در سال ۸۹: ۱- اگه دوست نداری واقعیت تاریخی تحریف نشود، پس خودت هم نکن. ۲- شما بهتر است در کشور خودمان دست از جعل اسامی مناطق غیر فارس زبان بردارید.

مسئله نژادی و بی‌تمدنی اعراب کد دیگری است که در سال ۹۲ شامل این نظرات است:

- ۱- این اماراتی که قبلاً به نوکری ایران افتخار می‌کرد. ۲- اگر قوی باشیم حرف‌های ۴ تا کشور عرب جاهل تأثیری روی ما ندارد. ۳- اونا حوض هم زیادیشونه چه رسد به خلیج فارس. در سال ۹۱: ۱- بعضی مردم ما به همین کشور میگن کشورک و به مردمشون میگن شیخک‌نشین. ۲- کشورهای عربی اصلاً کی هستن، اونا همین بس که هیچ هنری از خودشون ندارن. ۳- به عرب ما رو پرشین نمیدونه! و در سال ۸۹ می‌توان به این نظر قاطعانه اشاره کرد: اعراب بدانند تاریخ خریدنی نیست، ساختنی است ... اگر عرضه داشتید، بسازید. حول کد اثبات حقانیت تاریخی، یافته‌ها در سال ۹۱ شامل این نمونه‌هاست: ۱- به این بی‌سوادها بگوئید مگر طول عمر شما چندین سال است، ایران و خلیج فارس سابقه‌ی هزاران ساله دارند. ۲- البته کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس طبق تاریخ، جزئی از کشور ایران بودند. ۳- ما ایرانی‌ها هر وقت بودیم، عرب‌ها زیر سیطره‌ی ما بودند؛ در ضمن ما تاریخ رو خوب بلدیم. اقدامات فرهنگی کد دیگری است که نظریات بسیاری در مورد آن وجود دارد؛ از جمله این نمونه‌ها در سال ۹۲: ۱- هرکجا به جای اینکه به صفحات فیس‌بوک این و اون حمله کنند، به سایت عربی حمله کنند. ۲- پیشنهاد می‌شود به جای خلیج فارس از عبارت خلیج پارس استفاده شود. ۳- یکی از کارهایی که می‌توانیم انجام بدیم اینه که استان فارس رو به خلیج فارس وصل کنیم. در سال ۸۹: ۱- بیا یید مقابله به مثل کنید، بعضی چیزها در ایران نظر اکثریت نزدیک به ۱۰۰٪ دارد. ۲- یک فراخوان تظاهرات بگذارید. ۳- حداقل کاری که از خبرگزاری‌ها و سایت‌های ایرانی انتظار می‌رود، این است که بیانیه‌ی مربوط به این موضوع را لینک کنند تا همه بتوانند رأی بدهند.

در کد نقش شبکه‌های قدرت بین‌المللی، این نظریات به عنوان نمونه در سال ۹۱ مشاهده شد: ۱- این کشورها همشون بازیچه‌ی دست بیگانگان هستند. ۲- بر انگلیس لعنت بفرستید که این چنین جهان سومی‌ها را به جان هم می‌اندازد. ۳- این حرکت منطقی نیست و یک فکر اروپایی است. در سال ۸۹: ۱- به اعراب و آمریکا که آنها را هدایت می‌کند، باید گفت: اگر کور هم بشوید خودتان نام خلیج فارس را باید به زبان بیاورید. ۲- به آقای اوباما بگوئید: نخستین احترام به ایرانیان عدم تعرض به حریم فرهنگی و جغرافیایی آنان است. اما حول کد رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی بین‌المللی در سال ۹۲ به این نمونه‌ها اشاره می‌شود: ۱- الان که دارایی ایران در بانک‌های خارجی سر به میلیارد میزنه، خب یک مقداری شو خرج خلیج پارس کنند. ۲- تعامل با دنیا و پول حرف اول رو میزنه. در سال ۹۱: ۱- دو قران به مسئولان گوگل بدید تا نام خلیج فارس را برجسته‌تر نشان بدهند. ۲- بی بی سی در برنامه‌های فارسی خود نام خلیج فارس را می‌برد و در برنامه‌های عربی خود نام جعلی. ۳- گوگل هم با این کار با جاعلان تاریخ همراه شده‌است.

تمهیدات نظامی از جمله کدهای قابل توجه در این پژوهش بود که در سال ۹۲ شامل این نمونه‌هاست: ۱- چند گلوله توپ یا موشک آنجا بیاندازیم و بعد مثل آمریکایی‌ها بگوئیم اشتباهی پرتاب شده! ۲- جواب کوپنده‌ای در حد موشک به این اماراتی‌ها بدهند. ۳- به نظرم حمله کردن کاملاً مجازه تا دیگه از این غلطاً نکنن. در سال ۸۹ این اظهار نظر بارز دیده

شد: همه ما ایرانیان تا آخرین نفس پاسدار نام خلیج فارس خواهیم بود. اطلاع‌رسانی و هشیارسازی افراد کد دیگری است که در سال ۹۲ در چهار سایت الف، افکار نیوز، تابناک و آفتاب این نمونه‌ها یافت شد: ۱- دوست چینی من همیشه در کتاب‌هاشون خلیج عربی رو دیده‌است. ۲- واژه‌ی پرشین گالف را در گوگل سرچ کنید تا بفهمید چه اتفاقی دارد می‌افتد. ۳- تازه توی سایت شاکله هم نوشته که اردوشون در کناره‌ی خلیج عربی برگزار می‌شود. در سال ۸۹: ۱- جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲ در قطر برگزار خواهد شد و مسلماً اعراب از این فرصت استفاده خواهند کرد. ۲- جالب‌تر از همه اینکه هم پیمانان عرب‌ها در منطقه از این واژه‌ی مجهول استفاده می‌کنند. ۳- عرب‌ها یک شرکت هواپیمایی به نام خلیج عربی دارن و دارن این کار رو بیست سال انجام میدن.

کد بحران ملی از جمله کدهای دیگری است که در سال ۹۲ شامل این نظریات است: ۱- بیدار باشید، عزت و هویت ما را به سخره گرفته‌اند. ۲- آیا اقتدار ملی ما اینه؟! ۳- مردم از دولت انتظار دارن؛ چون موضوع حیثیت ملی خدشه‌دار می‌شه. در سال ۹۱: ۱- آخه بهتر نیست این مطالب رو به سمع و نظر سیاسیون هم برسونید. ۲- واقعا اگر اسمش عوض بشه تاریخ آینده‌ی ایران در مورد نسل ما چی میگه؟! ۳- تا کی می‌خوایم ساکت بمونیم در مقابل این دزدی‌های فرهنگی؟! ۱- حول کد بحث نکردن و اهمیت ندادن به این نظریات، به عنوان نمونه در سال ۹۱ می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱- عزیزان مهم نیست که این خلیج را با چه نامی صدا بزنند، مهم این است که چقدر از این دریا سهم فارسی‌ها باشد. ۲- پرداختن به یک موضوع هی اون موضوع را بزرگتر می‌کنه. ۳- چرا باید نسبت به حرف این عرب‌ها توجه کنیم؟! در سال ۸۹: ۱- من به عنوان یک ایرانی برایم نام منطقه هیچ اهمیتی ندارد. ۲- لطفاً شما دیگر به این آتش دامن نزنید. آخرین کد فقدان توانایی خارجی‌ها در کتمان این حقیقت است که در سال ۹۲ شامل این نمونه‌هاست: ۱- اینها هیچ ارزشی ندارد، تاریخ قضاوت می‌کند خلیج فارس را. ۲- ما خلیج فارس را به کار می‌بریم حالا اونا هر اسمی خواستن استفاده کنند. ۳- خلیج فارس همیشه خلیج فارس خواهی ماند اگر چه دشمنان دسیسه کنند. در سال ۹۱: ۱- شتر در خواب بیند پنبه دانه!! ۲- دوستان بذارین اصلاً بذارن خلیج عربی، ذره‌ای در دنیای واقعی اثر نخواهد داشت. ۳- هیچ وقت نمی‌شود منکر خورشید شد حتی در شب.

پس از طی مرحله‌ی اول کدگذاری که شامل خرد کردن ۳۲۸ اظهار نظر موجود در چهار سایت ذکر شده بود، مرحله‌ی دوم با هدف نمایش ارتباط مفاهیم، در قالب مقوله‌ها آغاز شد. سپس در مرحله‌ی بعد، مقوله‌ی هسته تعیین شد. در طی تحلیل، چندین بار مراحل کدگذاری و یافته‌ها مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفت. به منظور بررسی روایی، مراحل کدگذاری و استخراج نتایج به ۳ نفر از اساتید دانشگاه شیراز و شهید باهنر کرمان ارائه شد و اصلاحات لازم صورت گرفت. در ادامه، پنج مقوله‌ی حاصل شده، در مرحله‌ی دوم کدگذاری توضیح داده شده‌است.

۵-۱- عوامل سیاسی داخلی

این دسته از عوامل به دیدگاه‌هایی اشاره دارد که مربوط به سیاست‌گذاران و مسئولان

مملکتی است. افراد در فضای مجازی از مسئولان کشوری انتظار اقداماتی دارند که در مفاهیم غفلت و فقدان حمایت مسئولان کشوری، تلاش و پیگیری توسط مسئولان، سیاست خارجی اشتباه، سیاست داخلی اشتباه آورده شده‌است؛ به عنوان مثال در مورد سیاست داخلی، مردم انتظار دارند که دولت به ملیت ایرانی و زبان فارسی بیش از گذشته اهمیت دهد و در مورد سیاست خارجی، انتظار دارند روابط و تعاملات بین‌المللی با تمام کشورهای جهان بهبود یابد.

۵-۲- عوامل فرهنگی

این دسته از کدها به ماهیت فرهنگی اظهارات درج شده، اشاره دارد. افراد ریشه‌ی این مشکل را در عواملی مانند تمدن عرب‌ها و دشمنی قدیمی آنها با ایرانیان می‌دانند و با اشاره به اسناد تاریخی و قدمت تمدن و کشور ایران و اقدامات فرهنگی از جمله استفاده‌ی مکرر از عنوان خلیج فارس در مجامع بین‌المللی، تحریم گوگل و فعالیت‌های تبلیغاتی در این زمینه، در پی یافتن راه‌حلی برای مبارزه با این جعل نام هستند.

۵-۳- عوامل بین‌المللی

این مقوله نشان‌دهنده‌ی بعد بین‌المللی جعل نام خلیج فارس است. عواملی مثل رسانه‌ها و شبکه‌های اینترنتی که در جستجوی منافع خود هستند، به این تحریف نام دامن زده‌اند و سعی دارند مردم ایران را تحت فشار قرار دهند. در این میان، نقش قدرت‌های بین‌المللی و سیاست‌های آنها از دید جامعه‌ی ایرانی پنهان مانده‌است و آشکارا به دشمنی استمرار یافته‌ی آنها اشاره می‌کنند و برای رفع این مشکلات از فداکاری و جان‌فشانی‌ها صحبت می‌کنند.

۵-۴- آگاه‌سازی

این مقوله به کدهایی اشاره دارد که هدفش اطلاع‌رسانی به افراد جامعه است. برخی از افراد با اخبار متفاوت سعی در نشان دادن جلوه‌هایی دیگر یا تکرار دوباره‌ی تغییر نام خلیج فارس را دارند. این دسته از اخبار شامل روشن‌سازی اوج فاجعه از دیدگاه افراد در سایت‌های خبری مربوطه است و به مواردی مثل جعل نام در سایت‌های مختلف و کتب خارجی زبان‌ها، به جنبه‌های امنیتی و هویتی این موضوع اشاره دارد.

۵-۵- فقدان واکنش

این دسته کد به اهمیت ندادن به این جعل نام و انجام ندادن اقدام خاصی اشاره می‌کنند. برخی از افراد بر این باورند که لزومی برای واکنش نشان دادن نسبت به این تغییر نام وجود ندارد؛ زیرا یا مسائلی مهم‌تر از این موضوع وجود دارد، یا این حقیقت و این نام انکارناپذیر است و از جملاتی مثل مفهوم ایرانی به یک تکه از خاک جغرافیایی محدود نمی‌شود، یا این چنین اقداماتی اثر نخواهد داشت و تلاش بیگانگان برای جعل این نام بی‌فایده است، استفاده می‌کنند.

جدول ۱: مفاهیم، مقوله‌ها و مقوله‌ی هسته

مقوله هسته	مقوله	مفهوم	گزاره
		غفلت و فقدان حمایت مسئولان کشوری	مسئولان ما فقط نگران پست و مقام خود هستند.....لالایی مسئول بخواب مسئول.....ای وای بر مسئولان ذیربط که در خواب غفلت هستند.
		تلاش و پیگیری توسط مسئولان	از مسئولان قوه قضائیه درخواست می کنیم به شدت با افراد خاطی و این موضوع برخورد کنند. انتظار پاسخی قاطع از دستگاه دیپلماسی به خصوص رئیس جمهور داریم.
		سیاست داخلی اشتباه	اگر خودمون رو بیاییم از اصلیت پارسی مون جدا کنیم، آخر عاقبتش همین میشه!!! خلایق هر چه لایق. تقصیر خودمان است.
		سیاست خارجی اشتباه	تبریک به رئیس جمهور، وزیر خارجه و دولت ایران با این سیاست خارجه بسیار قوی!! تعامل با دنیا و پول حرف اول رو میزنه
		مسئله نژادی و بی تمدنی اعراب	بعضی مردم به همین کشورها میگن کشورک و به مردمشون هم میگن شیخک نشین. کاش این دعوای عرب و عجم را تمام می کردید.
		اثبات حقانیت تاریخی	یک خلیج فارس باشد در جهان ای نازنین/ از زمان‌های کهن در نقشه‌ی ایران زمین.. ما ایرانی‌ها هر وقت که بودیم، عرب‌ها زیر سلطه ما بودند. درضمن ما تاریخ رو خوب بلدیم.
		اقدامات فرهنگی	در پشت سر کلیه‌ی مصاحبه‌ها و نشست‌های علمی و سیاسی، نقشه‌ی بزرگ خلیج فارس نصب شود---گوگل را تحریم کنیم.
		نقش شبکه‌های قدرت بین المللی	آدم چی می‌تونه بگه فقط لعنت بر انگلیس و آمریکا. این حرکت منطقی نیست یک فکر اروپایی است.
		رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی بین‌المللی	آقا این گوگل هم رفته با دشمنان ایران هم‌پیمان شده. دو قران به مسئولان گوگل بدید تا نام خلیج فارس را برجسته‌تر نشان دهند.

	تمهیدات نظامی	خاکمون رو پس می‌گیریم و از فرهنگ و خاک خودمان دفاع می‌کنیم. جانم را فدای ذره‌ای از خاک پاک وطنم می‌کنم؛ چو ایران نباشد تن من مباد.
	اطلاع‌رسانی و هشیارسازی افراد	عرب‌ها یک شرکت هواپیمایی به نام خلیج عربی دارن و این کار رو بیست ساله دارن انجام میدن... امتیاز جام جهانی ۲۰۲۲ به قطر داده شده تا ۱۲ سال دیگه شاهد بدترین حملات به این نام هستیم.
	بحران ملی	هویت ایرانی یا فارسی؟؟ از اینها گذشته تمام هویت ایرانی جمع شده تو خلیج فارس. بیدار باشید... عزت و هویت ما را به سخره گرفته‌اند.
	بحث نکردن و اهمیت ندادن	پرداختن به یک موضوع هی اون رو بزرگ‌تر می‌کنه. من این خلیج رو فارس می‌دونم و بقیه دنیا به من ربطی نداره.
	فقدان توانایی خارجی‌ها در کتمان این حقیقت	خلیج فارس همیشه خلیج فارس خواهد ماند، اگرچه دشمنان دسیسه کنند. اشکال نداره خودشون میان عذرخواهی می‌کنند. شتر در خواب بیند پنبه‌دانه!!

نتیجه‌گیری

با توجه به مقولات عمده و توضیحات ارائه شده‌ی فوق می‌توان گفت که مفهوم یا مقوله‌ی بحران هویت و امنیت ملی به عنوان مقوله‌ی هسته، مفهومی است که می‌تواند کلیدی مقولات و مباحث فوق را پوشش دهد و جنبه‌ی تحلیلی داشته باشد. با نگاهی تحلیلی به مقوله‌ی عوامل سیاسی داخلی متوجه خواهیم شد، زمانی که افراد از غفلت و فقدان حمایت مسئولان کشوری، تلاش و پیگیری توسط مسئولان، سیاست‌های داخلی و خارجی اشتباه صحبت می‌کنند؛ مسئله‌ی تحریف نام خلیج فارس را تا بدان حد تجاوز و تعدی به هویت و امنیت کشور خود می‌دانند که از سران کشوری انتظار دارند که در این راستا اقداماتی اساسی انجام دهند. با تأمل بیشتر در مقوله‌ی آگاه‌سازی به این نتیجه رهنمون می‌شویم که برخی افراد از بی‌اطلاعی و بی‌دقتی هم‌وطنان خود شکایت دارند. آنان با اشاره به بحرانی و هویتی بودن این قضیه در تلاش هستند که سایر افراد جامعه را هشیار سازند تا همگی با عزمی ملی، راهی برای خاتمه دادن به این تحریف نام بیابند. حتی مقوله فقدان واکنش نیز به هویت و پیشینه‌ی تاریخی ایران و فقدان توانایی دشمنان در نادیده گرفتن این حقیقت بزرگ اشاره دارد؛ به عبارت دیگر، برخی از افراد با تکیه بر هویت و تمدن باستانی ایران به فقدان توانایی دسیسه‌چینان برای تحریف، کتمان یا فریب جوامع

بشری اعتقاد دارند. زمانی که به مقوله‌ی عوامل بین‌المللی می‌رسیم، تلاش هم‌وطن‌هایمان را برای یافتن ریشه‌های بین‌المللی، موضوعی می‌بینیم که آن قدر به نظرشان امنیتی جلوه می‌کند که از تمهیدات نظامی و جنگ سخن به میان می‌آورند. در واقع، جامعه‌ی ایرانی از تلاش همه‌جانبه‌ی بیگانگان برای تجاوز به کشور به خوبی آگاهی دارند و می‌دانند که این تعدی دشمن به نام پر آوازه‌ی خلیج فارس، در اصل نوعی تجاوز به کشور است؛ به همین دلیل، هر گونه دفاعی را حتی جنگ طلبانه مجاز می‌شمارند و با تمام توان خود سعی دارند از هویت ایرانی و امنیت کشورشان محافظت کنند. در مقوله‌ی عوامل فرهنگی، به طور واضح تمدن و هویت باستانی ایرانیان برجسته می‌شود. افراد در صدد آن هستند که پس از یافتن ریشه‌های تاریخی این دشمنی‌ها، با شیوه‌ای فرهنگی و نرم پاسخی دندان‌شکن به متجاوزان دهند؛ به بیان دیگر، این مقوله بیانگر اهمیت مستقیم بعد تاریخی هویت ایرانی است که در اظهارنظرهایی مثل درگیری‌های دیرینه‌ی عجم و عرب، ارائه‌ی اسناد تاریخی و ... تبلور می‌یابد.

از آنجایی که مطالعه‌ی حاضر با به کارگیری رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی سعی داشته است که به تعاملات و پیامدهای ناشی از تغییر نام خلیج فارس در فضای مجازی کشور بپردازد؛ نظریه‌ای موقعیتی، خاص، استقرایی و ایدئوگرافیک از درک مشارکت‌کنندگان نسبت به این تغییر نام با استفاده از روش‌شناسی کیفی حاصل شد. این نظریه در واقع بازتاب ارزیابی و فهم خوانندگان از اخبار تحریف نام خلیج فارس بوده است؛ به عبارت دیگر، محققان براساس منطق روش‌شناسی کیفی تنها ابزاری برای استخراج، دسته‌بندی و انعکاس آن چیزی بوده‌اند که در میدان مطالعه رخ داده است. بنابراین، تلاش برای تغییر نام خلیج فارس از خارج از مرزها، به تعاملات و تفسیرهایی در فضای مجازی کشور منجر شده است. این اظهار نظرها به دو دسته‌ی کلی عوامل ایجادکننده یا تشدیدکننده این بحران و راهکارهای مقابله با آن تقسیم می‌شود. از نظر مردم، تغییر نام خلیج فارس به دلیل غفلت و فقدان حمایت مسئولان، فقدان اتخاذ سیاست مناسب در روابط بین‌المللی، فقدان افتخار و بهاگذاری به ارزش‌ها و باورها و سنت‌های به جا مانده از گذشتگان، درگیری و اختلاف نظر قدیمی عرب و عجم، سودجویی و منفعت‌طلبی قدرت‌های جهانی برای استعمار هرچه بیشتر جهان سوم و در آخر رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی اسیر در چنگ قدرت، تبدیل به نوع دیگری از تجاوز به سرزمین و حقوق ایرانیان و موجب خدشه‌دار شدن هویت و اقتدار ملی آنها شده است. برای خاتمه دادن به آن نیز از هر اقدامی که بتواند گره‌گشای این مشکل باشد، صحبت می‌کنند. در جایی بحث از بی‌توجهی به این موضوعات و دسیسه‌های تکراری قدرت‌های بین‌المللی و به بی‌فایده بودن کار آنهاست و در قسمتی دیگر از افکار عمومی برای هشیاری و تدبیراندیشی دعوت به میان می‌آید. بنابراین، آنچه که از بررسی اظهارنظرها در چهار سایت الف، افکار نیوز، تابناک و آفتاب حاصل شد؛ این است که تحریف نام خلیج فارس برای افراد جامعه بسیار با اهمیت و بحران‌گونه است. تفسیر تغییر نام خلیج فارس به مثابه‌ی بحران هویت و امنیت ملی در فضای مجازی، شامل ریشه‌های بحران و راه‌حل‌ها و راهکارهای مقابله با آن است. براساس مقوله‌ی هسته که خود برگرفته و انتزاع شده از سایر

منابع و مأخذ

مقولات عمده‌ی ارائه شده‌است، افراد در فضای مجازی تغییر نام خلیج فارس را به مثابه‌ی نوعی بحران هویت و امنیت ملی درک و ارزیابی می‌کنند؛ بدین معنا که آنان تلاش بیگانگان برای تغییر این نام را نوعی تجاوز به هویت و امنیت خود می‌دانند و برای دفاع از آن، در پی شناسایی عوامل ایجاد کننده و راهکارهای مقابله و از بین برنده این امر هستند.

احمدلو، حبیب و افروغ، عماد (۱۳۸۱)، «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز»، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی ۱۳: ۱۴۳-۱۰۹.

اطاعت، جواد و موسوی، سیده‌زهرا (۱۳۹۰)، «رابطه متقابل امنیت ناحیه‌ای و توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی با تأکید بر سیستان و بلوچستان»، فصلنامه‌ی ژئوپلیتیک، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۱: ۷۰-۸۷.

بوزان، باری (۱۳۸۷)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه‌ی ناشر، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بیک‌محمدی، حسن (۱۳۸۴)، «منشأ تاریخی و جغرافیایی نام خلیج فارس»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خلیج فارس در گستره‌ی تاریخ، ج ۲، به اهتمام اصغر منتظرالقائم، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

پوستین‌چی، زهره و بالازاده، محمد (۱۳۹۲)، «تأثیر دیپلماسی عمومی آمریکا بر امنیت ملی ج.ا.ایران»، فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی، دوره‌ی یازدهم، شماره‌ی ۴۴: ۱۱۳-۷۷.

پورآرین، فواد (۱۳۸۶)، «درآمدی بر پیشینه تاریخی نام خلیج فارس»، مجله‌ی جغرافیا، شماره‌ی ۱۲ و ۱۳: ۲۰۲-۱۸۷.

تجدد، حسین (۱۳۸۷)، «خلیج فارس نامی که هرگز تغییر نخواهد کرد، دلایل و مستندات تاریخی غیر قابل انکار درباره خلیج فارس»، مجله‌ی حافظ، شماره‌ی ۵۰: ۱۳-۹.

تکمیل‌همایون، ناصر (۱۳۸۵)، «اهداف استیلاگرانه در تغییر نام خلیج فارس و اشاره به پارامی از اقدامات جهانی»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خلیج فارس در گستره‌ی تاریخ، ج ۳، به اهتمام اصغر منتظرالقائم، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۱)، «همیت خلیج فارس و تلاش برای جعل نام جدید»، فصلنامه‌ی تاریخ روابط خارجی، شماره‌ی ۵۱: ۱۷-۱.

جونز، مارتین و وودز، مایکل (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی، ترجمه‌ی زهرا پیشگاهی فرد، تهران: دانشگاه تهران.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران. تهران: سمت.

_____ (۱۳۸۴)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: پاپلی.

زهیری، علیرضا (۱۳۸۴)، «چیستی هویت ملی»، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، شماره‌ی ۲۹: ۵۰-۲۹.

ساعی، احمد و معصومی، مجید (۱۳۹۰)، «تأثیر تروریسم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه‌ی سیاست، مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره‌ی چهل و یکم، شماره‌ی ۲: ۱۶۱-۱۷۷.

- صادق پناهی، زینب؛ صادق پناهی، زهرا و صادق پناهی، محمد (۱۳۸۸)، «سابقه تاریخی نام خلیج فارس»، همایش بین‌المللی خلیج فارس، بوشهر.
- عجم، محمد (۱۳۸۸)، اسناد نام خلیج فارس، میراثی کهن و جاودان، تهران: تهران.
- عمید، حسن (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر.
- قاسمی، علی اصغر و ابراهیم آبادی، غلامرضا (۱۳۹۰)، «سبب هویت ملی و وحدت ملی در ایران»، فصلنامه‌ی راهبرد، دوره‌ی بیستم، شماره‌ی ۵۹: ۱۰۷-۱۳۸.
- قالیباف، محمدباقر و پوینده، محمدهادی (۱۳۹۰)، «بیین جغرافیایی بنیادهای هویت ملی (مطالعه موردی: ایران)»، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، دوره‌ی دوازدهم، شماره‌ی ۱: ۲۴-۳.
- قراگوزلو، محمد (۱۳۷۹)، «خلیج فارس، خلیج فارس است؛ نیم‌نگاهی به جغرافیای تاریخی خلیج فارس»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره‌ی ۱۵۵ و ۱۵۶: ۵۳-۳۶.
- قرآنی نوشاد، محمود (۱۳۹۰)، «علل و زمینه‌های استفاده از اسامی جعلی برای خلیج فارس»، مجله‌ی کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره‌ی ۱۵۵: ۲۶-۱۸.
- گنجی، محمد؛ وثوقی، محمدباقر؛ صفی‌نژاد، جواد؛ فریدی مجید، فاطمه و انوری، امیرهوشنگ (۱۳۸۶)، وصف خلیج فارس در نقشه‌های تاریخی، تهران: انتشارات بنیاد ایران‌شناسی.
- ماندل، رابرت (۱۳۸۷)، چهره‌ی متغییر امنیت ملی، ترجمه‌ی ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۸)، «امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، دوره‌ی چهاردهم، شماره‌ی ۱۴۶ و ۱۴۵: ۴۹-۳۸.
- _____ (۱۳۷۹)، خلیج فارس؛ کشورها و مرزها، تهران: عطایی.
- _____ (۱۳۸۰)، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس، چاپ چهارم، ترجمه‌ی حمیدرضا ملک‌نوری، تهران: وزارت امور خارجه.
- _____ (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.
- _____ (۱۳۸۵)، «اهداف تغییر نام خلیج فارس»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خلیج فارس در گستره‌ی تاریخ، ج ۳، به اهتمام اصغر منتظرالقائم، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- هاگت، پیتیر (۱۳۸۴)، جغرافیا ترکیبی نو، جلد یک، تهران: سمت.
- یادگاری، عبدالصاحب (۱۳۷۸)، «خلیج فارس: ایران و قدرت‌های بزرگ»، مجله‌ی پژوهش حقوق و سیاست، شماره‌ی ۱: ۲۹۰-۲۷۷.
- Flint, Colin (2007), *Introduction to Geopolitics*, Routledge.
- Huntington, Samuel P (2004), *Who are we? The challenges to America's national identity*, Publisher: Simon and Schuster.
- Leanza, Umberto (1989), "Marine delimitation in the Persian Gulf and right of passage in the Strait of Hormuz", *Journal of Marine Policy Reports*, (1) 3.
- Richardson, B (1994), "Crisis Management and Management Strate-

gy-time to Loop the Lopp?", Disaster prevention and management, 3 (3), 59-80.

Triandafyllidou, Anna (1998), "*National identity and the 'other'*", Journal of Ethnic and Racial Studies, 21(4): 593-612.

Turner, B. A. (1978), *Man-made Disasters*, London: Wykeham.

Williams, Paul (2008), *Security studies: An Introduction*, Abingdon: Routledge.

Changing the name of the Persian Gulf and the crisis of National Identity; An Analysis of the Iranian attitude to Falsification of the name of the Persian Gulf

E. Yari¹
Z. Mehrain²

Abstract

Today, the name of the Persian Gulf has been distorted by Some Arabic countries and other opportunists. In addition to the geopolitical and geo-strategic importance of the Persian Gulf, this area holds a high position in Iranian history and historical events. The Persian Gulf has a pivotal role in the consistency of Iranian national identity. Falsification of the name of the Persian Gulf is considered as serious threat to the Iranian identity and national security. The purpose of this study was to investigate the views and interpretations of people about changing the name of Persian Gulf in the virtual world. The research method was qualitative. The Data and information for analyzing were gathered from comments in the Alef, Afkar news, Tabnak and Aftab web pages within four years between 2010 to 2013. The results showed 14 codes and 5 main categories that national identity and security crisis was considered as their core. They included domestic political factors, cultural factors, international factors, awareness and no-reaction. So, our people interpreted changing the name of the Persian Gulf as a security and national identity crisis and have been looking for its causes and solutions.

Keywords: Persian Gulf, Changing the name, Crisis, National Identity, National Security.

1. Assistant professor of Political Sciences Department; faculty member of Shiraz University.
2. Post-graduate, M.A. of Crisis Management.